

بررسی و نقد تنسیق استاد فیاضی از برهان صدیقین علامه طباطبایی

علی شیروانی*

دانشیار گروه فلسفه و کلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده

برهان صدیقین نام گونه‌یی از برهان است که در آن حدّ وسط، موجود مطلق یا اصل واقعیت است. علامه طباطبایی تقریری خاص از این برهان دارند که بگونه‌های متفاوتی تنسیق شده است. در این مقاله تنسیق استاد فیاضی از برهان صدیقین علامه طباطبایی تبیین و سپس نقد و بررسی و نشان داده میشود که این تنسیق اولاً برخلاف ظاهر عبارات علامه است و ثانیاً فی نفسه ناتمام است و نمیتوان آن را تقریری موفق از برهان صدیقین بشمار آورد.

کلیدواژگان

برهان صدیقین
استاد فیاضی
علامه طباطبایی
الهیات فلسفی

طرح مسئله

برهان صدیقین^۱ نام گونه‌یی از برهان است که ابتدا توسط ابن سینا^۲ ابداع شد و سپس تقریرها و روایتهای متفاوتی از آن توسط دیگر فیلسوفان مسلمان مطرح شد. وجه مشترک تقریرهای گوناگون برهان صدیقین آنست که حدّ وسط در آن، موجود مطلق و اصل واقعیت است که با تعبیرهای گوناگونی مانند «وجود

مطلق»، «اصل وجود»، «مطلق الوجود»، «حقیقة الوجود»، «الواقعية» یا «حقیقت مرسله» از آن یاد

*.Email:shirvani@rihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۸ تاریخ تأیید: ۹۲/۱۲/۱۴

۱. صدیقین جمع صدیق است که مبالغه صادق - بمعنای درست و راست - میباشد و صفت شخص، گزاره و غیر آن قرار میگیرد. شخص صادق به کسی گفته میشود که در گفتار، رفتار، اهداف یا عهدهایش با خدا و با خلق راست و درست بوده باشد؛ گفته میشود: «فلان صادق القول، صادق الرأی، صادق العمل، صادق النیة، صادق العهد مع الله ومع الخلق». ادعا آنست که این نوع برهان به صدیقان تعلق دارد، چراکه بدلیل ویژگیهایش - که مهمترین آنها عدم تمسک به مخلوق برای اثبات خالق و توجه به خود وجود و موجود است که از بدهات تصویری و تصدیقی برخوردار است - به برگزیدگان از اندیشمندان که مبرای از هرگونه کژی و ناراستی و نادرستیند، اختصاص دارد. محقق سبزواری در تعلیقه خود بر عبارت ملاصدرا (فیكون الطريق الى المقصود هو عين المقصود وهو سبيل الصديقين الذين يستشهدون به لا عليه) مینویسد: «الصدیق مبالغة الصادق، وهو ملازم الصدق فی الاقوال والافعال والقصود والعهود مع الله ومع الخلق. فقد أومی (قدس سره) الى ان الطرق الاخرى كأنها لا تخلو عن كذب؛ لأن من لم يتعلق بحقیقه الوجود - التي هي بينة المائیة والهلیة، وهي اظهر الظواهر ووسع الواسعات، كما ان مفهومها وعنوانها ابده البدیهیات واعم العامات، وهي اول الاوائل فی الخارج كما ان مفهومها اول الاوائل فی الذهن ... - لم تخل فطرته عن اعوجاج، ونظره عن عماء، وكلامه اللهجي والقلبي عن كذب، ولم يعدل، حيث لم يضع الشيء موضعه؛ بخلاف من استدل بحقیقه الوجود علی حقیقه الوجوب، فان نظره وقع علی ما هو حق الواقع وحق نفس الامر، ووضع ما وافق الطبع ولم يتمسك بما يتطرق اليها النوع ولو اثبت المقدمات الممنوعة، الا انه يطول المسافة» (سبزواری، «تعلیقه بر الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة العقلیة»، ج ۶، ص ۴۵۴ - ۴۵۳).

۲. ابن سینا، الاشارات والتنبیها، ص ۲۶۹ - ۲۶۷.